

أَسْوَةٌ نِيكُو

واژه های مهم

پیش دستی: زودتر اقدام کردن	أَسْوَه: الگو، نمونه
عیادت: به احوالپرسی رفتن	آداب: جمع ادب، روش ها
بیش از حد لزوم: بیش تر از نیاز	اخلاق: جمع خُلق، رفتار و عادات پسندیده
دشنام: سخن زشت	عطوفت: مهربانی
حریم: بخشی از اطراف چیزی	رأفت: مهربانی
مُدارا: خوش رفتاری	سخن درشت: حرف تند
تجمل: خود آرایی	محزون: ناراحت و غمگین
بانگ: آواز بلند	سیما: چهره

☀ فرزندان ما پاره جگر ما هستند: ← پاره جگر بودن: کنایه از عزیز بودن

☀ مقام داد خواهی: انجام دادن عدالت ☀ تجاوز به حریم قانون: بی احترامی کردن به قانون

توضیحات بیت های متن

بیت اول:

ماه فرو ماند از جمال محمد (ص) سرو نباشد به اعتدال محمد

☀ جمال: زیبایی ☀ اعتدال: تناسب

نثر روان: ماه به زیبایی پیامبر (ص) نیست و سرو هم مثل او خوش قامت و زیبا نیست.

☀ ماه: نماد زیبایی ☀ سرو: نماد بلندی قامت

بیت دوم:

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در ظلّال محمد

مجموع: جمع شده  ظلّال: جمع ظلّ: سایه ها

نثر روان: تمام پیامبران در سایه حضرت محمد (ص) قرار دارند (دین اسلام کامل کننده دین های قبلی است)

بیت سوم: سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

نثر روان: ای سعدی اگر می خواهی شادی کنی و عاشق باشی دنباله رو پیامبر و خاندان او باش.

دانش زبانی: ساخت یا صیغه

هر فعل شش ساخت دارد ؛ به صورت های مختلف فعل « ساخت یا صیغه » می گویند.

شش ساخت زمان حال « مُضارع »	
می خورم	می خوریم
می خوری	می خورید
می خورد	می خورند

دانش زبانی: بُن فعل

« بُن یا ریشه » فعل، بخش ثابتی است که در همه ی صیغه های فعل، تکرار می شود.

بُن فعل: زمان حال « مُضارع » (خور)	
می خورم	می خوریم
می خوری	می خورید
می خورد	می خورند

برای به دست آوردن بن فعل مضارع؛

ابتدا فعل را « امری » می کنیم، سپس حرف « ب » را از اول فعل حذف می کنیم.

مثال:

می روم ← تبدیل به فعل امری: برو ← حذف حرف ب: رو ← بن فعل مضارع: رو
 بخوانند ← تبدیل به فعل امری: بخوان ← حذف حرف ب: خوان ← بن فعل مضارع: خوان

نکته:

اگر فعل ما، ماضی بود، ابتدا فعل را به مضارع تبدیل می کنیم سپس بن فعل ماضی را به دست می آوریم.

مثال:

خوردند: ابتدا تبدیل به فعل مضارع ← می خوردند
 تبدیل به فعل امری ← بخور: حذف « ب » ← خور